

دوفصلنامه علمی - تخصصی روابط آفریقا آسیا، دوره اول شماره دو / پاییز و زمستان سال ۱۴۰۳

تأثیر گفتمان مقاومت انقلاب اسلامی ایران بر جنبش اسلامی نیجریه

الهه صادقی*

استادیار گروه علوم سیاسی، دانشگاه تربیت مدرس

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۸/۷

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۴/۶

چکیده

گفتمان مقاومت انقلاب اسلامی، افزون بر اینکه تأثیر بسیاری بر نظام سیاسی، اجتماعی و فرهنگی ایران داشت، فراتر از مرزهای خویش، بسیار تأثیرگذار بوده و الهام‌بخش نهضت‌ها و جنبش‌های مسلمانان در کشورهای مختلف از جمله نیجریه بوده است. در چند دهه‌ی اخیر، نیجریه، به عنوان یکی از کشورهای مهم آفریقا، بستر شکل‌گیری جنبش اسلامی و گسترش تشیع بوده و اکنون جمعیت چند میلیونی شیعه در نیجریه، این کشور را به یکی از کانون‌های شیعه تبدیل کرده است. بر این اساس پژوهش حاضر با بهره‌گیری از نظریه گفتمان لاکلا و موفه و با استفاده از روش تبیینی-تحلیلی، تأثیر گفتمان مقاومت انقلاب اسلامی را بر روی جنبش اسلامی در نیجریه مورد واکاوی قرار داده است. یافته‌های پژوهش نشان داد که گفتمان مقاومت پس از پیروزی انقلاب، با نظام‌سازی گفتمان اسلامی از یک گفتمان به حاشیه رانده شده توسط گفتمان نظام سلطه، به مثابه‌ی یک گفتمان فعال در متن سیاست‌های داخلی و بین‌المللی بدل شده و با نفی هژمونی نظام سلطه و عدم سازش با آن، مفصل‌بندی جدیدی را ایجاد کرده که در نهایت این مفصل‌بندی، مدلی از مقاومت را در برابر نظام سلطه تعریف کرده است. این مدل از مقاومت، با تأکید بر اسلام سیاسی، استکبارستیزی و غرب‌ستیزی، علاوه بر احیای هویت شیعیان نیجریه، بر شکل‌گیری و گسترش جنبش اسلامی این کشور نیز تأثیر گذاشته است.

واژگان کلیدی: گفتمان مقاومت، انقلاب اسلامی ایران، شیعیان، نیجریه، جنبش اسلامی.

مقدمه

از اواخر سده بیستم، گفتمان مقاومت با هسته مرکزی انقلاب اسلامی ایران، یکی از مهمترین گفتمان‌هایی است که تحولات و معادلات بین‌المللی را تحت تأثیر قرار داده است. پس از پیروزی انقلاب اسلامی، گفتمان مقاومت از یک گفتمان به حاشیه رانده شده، به گفتمانی در متن سیاست‌های بین‌المللی تغییر شکل داده و با نفی گفتمان سلطه و عدم سازش با آن، گفتمان سلطه را به مبارزه طلبیده است. بی‌تردید مقاومت یک مسأله فطری و بشری است که در فلسفه سیاسی در آراء و نظرات صاحب‌نظران علوم سیاسی، ذیل حق مقاومت با تعبیر مختلفی نظیر قیام یا انقلاب تجلی یافته است. در واقع گفتمان مقاومت به عنوان پیشران ایستادگی و مقابله با استبداد داخلی و سلطه خارجی مورد توجه برخی گروه‌ها و جریان‌های مبارز قرار گرفته است.

در حقیقت انقلاب اسلامی توانست گفتمان مقاومت را به مثابه بدیلی در برابر گفتمان هژمونیک سلطه تعریف کند. پس از انقلاب اسلامی، جهان دو قطبی آن روز، به جهان سه قطبی تبدیل شد. سپس با سقوط و حذف شوروی و اقمارش و ایجاد قطب‌های جدید قدرت، تقابل دوگانه جدید "اسلام" و "استکبار" در جهان معاصر مطرح شد. آیت‌الله خامنه‌ای در خصوص این موضوع می‌فرماید: «از سویی، نگاه امیدوارانه جریان‌های آزادیخواه جهان و ملت‌های زیر بار ظلم و استبداد و از سوی دیگر نگاه کینه‌توزانه و بدخواهانه رژیم‌های استکباری به انقلاب اسلامی دوخته شد و بدین‌گونه مسیر جهان تغییر پیدا کرد و دشمنی‌ها به شدت آغاز گردید و اگر اراده خداوند متعال، قدرت عظیم ایمان و انگیزه این ملت و رهبری آسمانی امام عظیم‌الشان نبود، ایستادگی در برابر آن همه خصومت، شقاوت و... امکان‌پذیر نبود» (خامنه‌ای، ۱۳۹۷/۱۱/۲۱)؛ لذا دستاورد گفتمان مقاومت انقلاب اسلامی، بیداری اسلامی، گسترش تشیع و احیای جبهه مقاومت در اغلب نقاط جهان به ویژه کشور نیجریه است.

در این بین، مطالعه و بررسی مقایسه‌ای نگارنده در خصوص جمعیت‌های شیعه در غرب آفریقا نشانگر این امر مهم است که پس از انقلاب اسلامی ایران، تشیع در این منطقه رشد و نمو داشته است؛ اما رشد تشیع و گسترش جنبش اسلامی نیجریه نه تنها در این منطقه بلکه در کل آفریقا چشمگیر است؛ این در حالی است که برخلاف دیگر کشورهای غرب آفریقا، جامعه شیعه و جنبش اسلامی نیجریه از سوی دولت و ارتش تحت فشار بسیار زیاد بوده است. برای نمونه حملات گسترده ارتش به شیعیان و دستگیری رهبر جنبش اسلامی (شیخ احمد زکراکی) و شهادت

اعضا و هواداران این جنبش گویای این امر مهم است؛ اما تهدیدات و فشارهای گسترده علیه جنبش اسلامی مانع از گسترش آن نشد. از این رو هدف پژوهش حاضر دستیابی به علل شکل-گیری و گسترش جنبش اسلامی در نیجریه است که نگارنده علت محوری آن را، در تأثیر گفتمان مقاومت انقلاب اسلامی جستجو کرده است. اهمیت و ضرورت انجام این پژوهش نیز نشان دادن تجلی گفتمان مقاومت انقلاب اسلامی در پیشبرد روند بیداری و آگاهی مسلمانان و افزایش فعالیت‌های مؤثر اسلامی در جوامع غیراسلامی است؛ بنابراین این پژوهش به دنبال پاسخگویی به این پرسش است که گفتمان مقاومت انقلاب اسلامی ایران در شکل‌گیری و گسترش جنبش اسلامی در نیجریه چه تأثیری داشته است؟ فرضیه پژوهش حاضر این است که ارزش‌ها و آرمان‌های گفتمان مقاومت انقلاب اسلامی بر تحقق و اعتلای جنبش اسلامی نیجریه تأثیر به‌سزایی داشته است.

پیشینه پژوهش

پژوهشی به صورت مستقیم به موضوع تأثیر گفتمان مقاومت انقلاب اسلامی بر گسترش جنبش اسلامی نیجریه پرداخته است؛ اما با دو کلید واژه "گفتمان" و "نیجریه"، می‌توان دو دسته از منابع را از یکدیگر تفکیک کرد:

دسته اول، منابعی است که به بررسی وضیت شیعیان و چگونگی روند گسترش شیعیان در نیجریه پرداخته است. کتاب "سرزمین و مردم نیجریه" (شکیبا، ۱۳۸۸)؛ کتاب "نقش شیخ ابراهیم یعقوب زکزاکی در شکل‌گیری تشیع" (عرب احمدی، ۱۳۹۷)؛ کتاب "شیعیان در نیجریه"^{۱۰} (ادیبی فیروزجانی و محجوبیف شیعیان در نیجریه، ۱۳۹۷)؛ مقاله "شیعیان نیجریه (فرصتها، تهدیدها و باورها)" (کردی، ۱۳۹۴، ص. ۱۱۰-۱۲۵)، مقاله "وضعیت شیعیان در نیجریه" (رسولی ن.، ۱۳۸۸، ص. ۱۱۳-۱۲۸)؛ مقاله جایگاه شیعیان در ساختار اجتماعی نیجریه (هاشمی نسب، جایگاه شیعیان در ساختار اجتماعی نیجریه، ۱۳۹۷، ص. ۱۲۳-۱۵۰) و پایان‌نامه "بررسی سبک رهبری و شیوه‌های تبلیغی ابراهیم زکزاکی" (مادرشاهی، ۱۳۹۴: ۵۷-۸۰) اطلاعات بسیار مهمی را در خصوص وضعیت شیعیان و روند گسترش تشیع ارائه کرده‌اند.

دسته دوم، منابعی است که تأثیر گفتمان انقلاب اسلامی را بر روی گسترش روند شیعه شدن در نیجریه بررسی کرده است. مقاله "تأثیر انقلاب اسلامی بر گسترش تشیع در نیجریه (ادیبی

فیروزجانی و محبوب، ۱۴۰۰، ص. ۱۸۸-۱۷۳) و مقاله "تأثیر انقلاب اسلامی بر گسترش تشیع در نیجریه" و مقاله "انقلاب اسلامی و شیعیان نیجریه: از تأسیس تا جامعه اسلامی" (هاشمی نسب، ۱۳۹۹، ص. ۳۰۵-۳۱۹) معتقدند که انقلاب اسلامی و و اندیشه امام خمینی (ره)، علاوه بر بیداری و خودآگاهی مسلمانان نیجریه، روند گرایش به تشیع را سرعت بخشیده است. افزون بر این مقالات شش سلسله نشست تخصصی در خصوص "سیاست پژوهی و تدوین نقشه راه آفریقا- گفتمان مقاومت و آفریقای جنوبی" توسط مرکز مطالعات آفریقا دانشگاه تربیت مدرس برگزار شده است که متن مکتوب شده این سخنرانی‌ها، موجود نیست.

با تاسی از موارد ذکر شده، منابع مورد اشاره به رغم دستاوردهای مهمی که داشته‌اند؛ اما اغلب تأثیر انقلاب اسلامی را بر گسترش "تشیع" در نیجریه بررسی کرده‌اند و هیچ یک از پژوهش‌های مذکور تأثیر "گفتمان مقاومت انقلاب اسلامی" روی "جنبش اسلامی" کشور نیجریه را بررسی نکرده است؛ در صورتی که یکی از عوامل اصلی و تأثیرگذار بر احیای هویت شیعیان و گسترش جنبش‌های اسلامی به ویژه در کشور نیجریه، گفتمان مقاومت انقلاب اسلامی ایران بوده است و همین امر، دلیل نوآوری و بدیع بودن پژوهش حاضر است.

ملاحظات مفهومی و نظری

گفتمان: واژه گفتمان از واژه فرانسوی Discourse و لاتین Discursus به معنی گفتگو و محاوره گرفته شده است. فرهنگ انگلیسی آکسفورد، ذیل این واژه، معانی متعددی ذکر کرده است که گفتمان در وجه اسمی آن به معنای مسیر رو به رشد، توالی زمان، حوادث، اعمال و ... است و در وجه فعلی آن، به معنای حرکت کردن، پیمودن است (بشیر، ۱۳۸۴، ص. ۹-۱۰). همچنین در تعریف لغوی، گفتمان به معنی پرداختن مفصل و جزء به جزء یک موضوع، در قالب نوشتن یا گفتن است. به بیانی دیگر، گفتمان با یک چهارچوب زبانی سروکار دارد که روایتگر، با گذر از واژه‌های یک زبان و ارتباطات بین واژه‌ها، می‌تواند به صورت آگاهانه یا ناآگاهانه، با اثرگذاری بر ساختار زبان، کنترل آن را در دست خویش گیرد و در جهت آن‌چه خود می‌پسندد، به پیش برَد.

مقاومت: در تعریف لغوی، مقاومت^۱ به معنای به پا خاستن، برخاستن و پایدار ماندن است. همچنین به معنای ایستادگی و پایداری کردن است. در تعریف اصطلاحی، مقاومت از یک سو به

1. resistance

معنای هر نوع ایستادگی در برابر عوامل بر هم زننده تعادل و توان است و تنها به رویارویی و ایستادگی در میدان جنگ محدود نمی‌شود. از سوی دیگر مقاومت به معنای انفعال، انزوا و بی‌حرکی نیست؛ بلکه به معنای پویایی و اقدام رو به جلو است.

همچنین در قرآن کریم به مفهوم مقاومت توجه و تأکید شده است. مقاومت در قرآن یک فرهنگ است. قرآن کریم زمانی که می‌خواهد مفهوم مقاومت را تبیین و تحلیل کند، در مباحث گوناگون از واژه‌های "صبر"، "استقامت" و "ثبات قدمی" استفاده کرده است. در قرآن، استقامت به معنای دوام، ثبات و انجام درست فعل است (فاستَقِم کما امرت)؛ یعنی در آنچه به تو امر شده باید مقاومت کنی و این مقاومت باید به شیوه‌ای باشد که مبتنی بر انجام درست فعل باشد؛ یعنی انسان به گونه‌ای رفتار و اقدام کند که هیچ‌گونه خللی در فعل او راه پیدا نکند. در برخی دیگر از آیات قرآن، مقاومت با واژه صبر آمده است. (استعینوا بالصبر و الصلاه: از شکیبایی و نماز یاری جوید). در واقع صبر به معنای نگهداری و تحمل سختی در برابر امور بی‌تاب کننده است. همچنین در آیات دیگر مقاومت به معنای ثبات قدم به کار رفته است. قرآن کریم در سوره انفال آیه ۴۵ می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا لَقِيتُمْ فِئَةً فَاثْبُتُوا وَاذْكُرُوا اللَّهَ كَثِيرًا لَّعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ»: ای کسانی که ایمان آورده‌اید، هر گاه با فوجی از دشمن روبرو شدید، پایداری کنید و خدا را پیوسته یاد آورید، باشد که فاتح گردید؛ بنابراین در قرآن کریم، صبر، استقامت و ثبات قدمی به عنوان اصول اساسی و مهم در بین گروه‌های مومنان لحاظ شده است.

مبانی نظری: تحلیل گفتمان

یکی از اصلی‌ترین نظریاتی که اکثر صاحب‌نظران علوم سیاسی برای تحلیل و تبیین مفاهیم استفاده می‌کنند، نظریه تحلیل گفتمان لاکلا و موفه است. از منظر لاکلا و موفه، گفتمان مجموعه‌ای از نشانه‌های مفصل‌بندی شده است (Lacla & Mouffe, 2013, pp. 95-99). مفصل‌بندی فرایندی است که به وسیله آن نشانه‌ها به یکدیگر پیوند می‌یابند و یک نظام معنایی را می‌آفرینند و در عمل مفصل‌بندی، چنان ارتباطی بین عناصر مختلف شکل می‌گیرد که یک کل نظام‌مند و منسجم شکل می‌گیرد و بدین ترتیب یک گفتمان ایجاد می‌شود (Lacla & Mouffe, 2002, p. 105). در این نظریه، پیوند نشانه و معنا نتیجه توافق است و هیچ‌گونه ارتباط ذاتی بین نشانه و معانی آن وجود ندارد؛ زمانی یک نشانه قابل فهم و درک می‌شود که در درون یک گفتمان به

صورت خاص معنا شود و به یک تثبیت معنایی البته به صورت موقت دست یابد. در واقع نشانه‌ها هویت خود را از گفتمانی که در آن قرار گرفته‌اند، کسب می‌کنند. در این نظریه، موقتی بودن معنای نشانه، با واژه "لحظه یا وقته"^۱ نشان داده می‌شود؛ یعنی امکان جذب آن، توسط گفتمان‌های دیگر وجود دارد. لاکلا و موفه، رابطه‌ای بودنِ نظام نشانه‌شناختیِ گفتمان را، از سوسور وام گرفتند؛ اما ثابت بودن رابطه دال^۲ و مدلول^۳ را نمی‌پذیرند و زبان را مجموعه‌ای از دال‌های بدون مدلول می‌پندارند؛ دال‌هایی که معنایشان را در هنگام کاربرد به دست می‌آورند (سلطانی، ۱۳۸۳: ۴۴). در واقع دال‌ها، اشخاص، عبارت و مفاهیم انتزاعی یا حقیقی هستند که در چهارچوب گفتمانی خاص بر معانی خاص دلالت می‌کنند. معنایی که یک دال به آن دلالت می‌کند، مدلول گفته می‌شود. مدلول نشانه‌ای است که با دیدن آن دال مورد نظر، معنا می‌شود؛ برای نمونه، دیدن تکرر مطبوعات در جامعه، یک نشانه و به اصطلاح یک مدلول است که ما را به دال آزادی قلم و بیان رهنمون می‌سازد. در واقع دال‌ها، انواع مختلفی دارند، دال مرکزی^۴ و دال‌های شناور^۵. دال مرکزی، شخص، نماد یا مفهومی است که دال‌های دیگر حول‌محور آن جمع و مفصل‌بندی می‌شود. دال مرکزی مانند ستون مرکزی یک ساختمان است که اگر حذف گردد، ساختمان فرو می‌ریزد.

همچنین لاکلا و موفه رابطه دال و مدلول را قراردادی ثابت نمی‌دانند و به جداسازی دال از مدلول اعتقاد دارند. بر این اساس، معنای نشانه‌ها تغییرپذیر است و همواره در معرض دگرگونی قرار دارد (سلطانی، ۱۳۸۳، ص. ۷۳-۸۳). بدین ترتیب، مفهوم "بی‌قراری"^۶ خود را نشان می‌دهد. بی‌قراری‌ها به بحران‌ها و حوادثی اشاره دارد که هژمونی گفتمان‌های مسلط را به چالش می‌کشد؛ یعنی هیچ گفتمانی نمی‌تواند به طور کامل تثبیت شود و سلطه خود را برای همیشه حفظ کند؛ بنابراین مفهوم بی‌قراری، موقتی بودن و عدم تثبیت کامل گفتمان‌ها را نشان می‌دهد؛ لذا همواره بی‌قراری‌ها وجود خواهند داشت و بی‌قراری‌ها توأم با تغییر است؛ ولی در این تغییر، همه چیز تصادفی است. در واقع بی‌قراری‌ها، نارضایتی و مقاومت‌هایی را ایجاد می‌کند و کنشگران جدید را به عرصه سیاسی و اجتماعی وارد می‌سازد و این کنشگران می‌توانند شکل‌های اجتماعی ویژه

1. Moment
2. sign
3. signified
4. signifiers
5. Floating
6. restlessness

خویش را ایجاد کنند؛ هرچند ایجاد شکل‌های اجتماعی نیز همواره با تکیه بر روابط قدرت امکان‌پذیر است. بر این اساس، بی‌قراری‌ها، از یک سو موجب تضعیف هژمونی گفتمان مسلط می‌شوند و از سوی دیگر امکان پیدایش سوژه‌های رقیب و مفصل‌بندی‌های جدید را فراهم می‌کند؛ اما چگونگی و سمت و سوی تغییر از پیش تعیین شده نیست و هرچه جبر ساختاری کمتر باشد، آزادی بیشتر و حوزه سوژه وسیع‌تر خواهد بود (حسینی زاده، ۱۳۸۶، ص. ۲۷).

نکته قابل توجه این است که منشأ پیدایش بی‌قراری‌ها در مفاهیم خصومت^۱ و غیریت^۲ است. گفتمان‌ها اساساً در ضدیت و تفاوت با یکدیگر خلق می‌شوند و صرفاً هویت‌یابی یک گفتمان در تعارض با گفتمان‌های دیگر امکان‌پذیر است و هویت تمامی گفتمان‌ها منوط و مشروط به غیر است. گفتمان‌ها در برابر خود، غیرت‌سازی می‌کنند. بی‌تردید در برابر یک گفتمان، غیرهای متعددی وجود دارد و غیرهایی که به حاشیه رانده شده‌اند، دائماً در تلاشند که معنای جدید را از وقته‌ها ارائه دهند و ثبات معنایی را که گفتمان مسلط ایجاد کرده، بر هم بزنند؛ بنابراین دال‌ها همواره در معرض بی‌قراری معنایی هستند و اگر ثبات معنایی دال‌های یک گفتمان از بین برود، ثبات آن گفتمان از بین خواهد رفت و دچار بی‌قراری و بحران هویت خواهد شد و اگر گفتمان‌های طرد شده موفق به این کار شوند، هژمونی گفتمان حاکم از میان می‌رود و زمینه برای تسلط گفتمان رقیب فراهم می‌شود؛ لذا به دلیل اینکه غیرها همواره وجود یک گفتمان را تهدید می‌کنند و آن را در معرض فروپاشی قرار می‌دهند، پس همه گفتمان‌ها خصلتی موقتی دارند و هیچگاه تثبیت نمی‌شوند.

نکته مهم دیگر این است که غیریت در ذات خود با مفاهیم برجسته‌سازی^۳ و حاشیه‌رانی^۴ توأم است؛ یعنی برجسته کردن دال‌های مورد نظر و به حاشیه راندن دال‌های گفتمان رقیب؛ هرچند به حاشیه راندن غیر، هر اندازه شدید هم باشد، نمی‌تواند به صورت کامل رقیب را از صحنه خارج کند. نکته حائز اهمیت این است که غیرت‌سازی طیفی از مفاهیم از جمله "رقابت"، "دشمنی" و "سرکوب خشونت بار" را با خود به همراه دارد و سرکوب خشونت بار گفتمان غیر، می‌تواند رادیکال شدن گفتمان غیر را افزایش دهد.

1 . Antagonism
2 . Otherness
3 . highlighting
4 . marginalization

از دیگر مفاهیم تحلیل گفتمان، هژمونی^۱ است. هژمونی، نوعی منطق سیاسی است که اجماع ایجاد کرده و قدرت را به واقعیت تبدیل می‌کند و به جای استفاده از زور برای اعمال سلطه خود، از روش‌ها و تکنیک‌های اقناع استفاده می‌کند. در این فرایند، دستگاه‌های ایدئولوژیک نسبت به قدرت نظامی، اهمیت بیشتری دارند؛ زیرا این دستگاه‌ها می‌کوشند رضایت و اجماع مردم را به دست آورند و به نظام هژمونیک مقبولیت ببخشند. اگر در جامعه بر سر معنای خاص برای یک دال، توافق و اجماع ایجاد شود و برای مدت موقت، افکار عمومی معنای مشخصی را بپذیرند، آن دال هژمونیک می‌شود. با هژمونیک شدن دال‌های یک گفتمان، آن گفتمان هژمونیک می‌شود. مفهوم مهم دیگر در این نظریه، ساختارشکنی^۲ است. هژمونی هرگز مطلق یا تام نیست و هیچگاه گفتمان هژمونیک نمی‌تواند همه نیروهای اجتماعی را جذب کند و بر ذهن همه مسلط گردد؛ لذا همواره مخالفت‌ها و نارضایتی‌هایی وجود دارد و در اینجا مفهوم ساختارشکنی طرح می‌شود. در ساختارشکنی، دال از مدلول جدا شده و هژمونی از بین می‌رود. در ساختارشکنی‌ها، دال‌ها باز تعریف می‌شوند و معنای جدید به آن‌ها نسبت داده می‌شود؛ برای نمونه در گفتمان غربی، دال مرکزی مدرنیته است و نماد آزادی همه افراد بشر و ایجاد رفاه و عدالت است؛ اما گفتمان انقلاب اسلامی به سراغ دال مرکزی رفته و به وسیله ساختارشکنی دال را از مدلول جدا کرده و نشان داد که مدرنیته برای همه افراد بشر آزادی، رفاه و عدالت به وجود نمی‌آورد؛ بنابراین گفتمان مقاومت انقلاب اسلامی با ساختارشکنی و حاشیه‌رانی دال‌های گفتمان غربی و با برجسته‌سازی دال مرکزی خود یعنی اسلام سیاسی و تولید اجماع در این زمینه، موجب از بین رفتن استیلای گفتمان رقیب شد.

آخرین موضوع در نظریه تحلیل گفتمان، سقوط گفتمان‌هاست. زمانی که یک گفتمانی مسلط می‌شود، اگر نتواند به وعده‌های خود عمل کند و بر بی‌قراری‌ها فائق آید، بخش‌هایی از جامعه به تدریج از آن فاصله می‌گیرند و این گونه گفتمان مسلط رو به زوال می‌رود و طرفدارانش کم کم دچار نارضایتی و بحران هویت می‌شوند و در نتیجه آماده هویت‌یابی به گفتمان‌های جدید می‌شوند؛ بنابراین اگر گفتمانی در بازسازی مجدد تئوریک خود باز بماند، سرانجام در برابر موج رو به رشد بی‌قراری‌ها، سر فرود می‌آورد و عرصه را به رقیبان واگذار می‌کند.

1 . hegemony

2 . Deconstruct

گفتمان مقاومت انقلاب اسلامی: گفتمان مقاومت، مجموعه‌ای از سوژه‌ها و گروه‌های مختلف اجتماعی با هدف خلق نظام معنایی مبتنی بر فرهنگ اسلامی است. در واقع گفتمان مقاومت در برابر گفتمان سلطه (غربی) در ابعاد متفاوت تعریف می‌شود. گفتمان سلطه، بر این باور است که هر فرد یا نظامی که قدرت بیشتری داشته باشد، محق است. مهمترین عملکرد گفتمان سلطه تلاش برای حفظ نظام ظالمانه و غیرعادلانه و استقالات و قواعد بازی آن است. در حقیقت هر قدرتی، اپوزیسیون‌ساز است و وجود همین مقاومت است که از انسداد کامل قدرت جلوگیری می‌کند (تاجیک، ۱۳۷۷، ص. ۷۷). در واقع گفتمان مقاومت، پاد گفتمان، نظام سلطه و هژمونیک به شمار می‌رود. این گفتمان در برابر گفتمان نظام سلطه شکل گرفته و درصدد به چالش کشیدن نظام سلطه و استقرار نظم نوین و عادلانه روابط بین‌الملل است.

در خصوص منشأ پیدایش گفتمان مقاومت، برخی صاحب‌نظران علوم سیاسی، سید جمال‌الدین اسدآبادی را آغازگر مقاومت اسلامی می‌دانند و برخی دیگر انقلاب اسلامی به رهبری امام خمینی (ره) را نقطه آغازین مقاومت اسلامی می‌دانند. در هر صورت، گفتمان مقاومت پدیده اسلام‌گرایی حاصل تقابل نیروهای گفتمانی برای معنادار کردن واقعیت اجتماعی است. گفتمان مقاومت، بر این باور است که گفتمان سلطه حاکم (مدرنیاسیون غربی) برخی از نیروهای اجتماعی را در جوامع اسلامی سرکوب کرده و همین نیروهای سرکوب شده با تولید ایدئولوژی، دانش و صورت‌بندی معرفت معترض در برابر هژمونی گفتمان غالب، مقاومت می‌کند؛ لذا مسلمانانی که احساس بی‌هویتی و بی‌معنایی می‌کنند، جذب گفتمانی می‌شوند که به آن‌ها احساس هویت، وفاق و همبستگی اجتماعی می‌دهد.

در حقیقت انقلاب اسلامی و نظام جمهوری اسلامی ایران در مرکز گفتمان مقاومت قرار دارد. این گفتمان نخستین تجربه تلفیق معنویت‌گرایی با سیاست است. این گفتمان علاوه بر اینکه سیاست و قدرت را در کنار معرفت دینی تعریف می‌کند، شاخصه‌های متفاوت دیگری از "خودی‌ها" و "دگرها" در عرصه ملی و فراملی معرفی می‌کند و به واسطه صورت‌بندی‌های خاص گفتمانی، علاوه بر تزریق معنویت به کالبد سیاست، کانون‌های متعدد مقاومت را در برابر گفتمان سلطه حاکم در عرصه بین‌الملل بسیج می‌کند (رسولی، ۱۳۹۹، ص. ۴۳). در واقع پیروزی انقلاب در شرایطی که رژیم پهلوی از حمایت بسیاری از سوی غرب برخوردار بود، تجلی این امر مهم بود که انقلاب تحت تأثیر اراده تشریعی و امدادهای غیبی اوست. در این خصوص امام

می‌فرماید: «این انقلاب بزرگ که دست جهان‌خواران و ستمگران را از ایران کوتاه کرد با تأییدات غیبی الهی پیروز گردید و در صورت نبود دست خدا، امکان نداشت جمعیت سی و سه میلیونی با آن تبلیغات ضداسلامی قیام کند (خمینی، ۱۳۷۸، ص. ۳۲).

در واقع گفتمان مقاومت انقلاب اسلامی دو وجه دارد. وجه اول به معنای آگاهی‌بخشی و رهایی‌بخشی است و الگوی گفتمان مقاومت، الگوی اشاعه حکومت اسلامی در چارچوب گسترش اسلام سیاسی است. وجه دوم، تبیین و ترویج ارزش‌های گفتمان مقاومت انقلاب اسلامی است. این وجه به معنای یاری و حمایت معنوی از جنبش‌ها و نهضت‌های آزادی‌بخش و ارائه خط فکری سیاسی به آنهاست (دهقانی فیروزآبادی و رادفر، ۱۳۸۸، ص. ۷۲). در این خصوص امام خمینی می‌فرماید: «ما می‌خواهیم همین معنویتی که در ایران پیدا شده، صادر کنیم. ما نمی‌خواهیم تفنگ به دست بگیریم. ما می‌خواهیم این انقلاب اسلامی را صادر کنیم (خمینی، ۱۳۷۲، ص. ۲۸۳). بر این اساس، در زمان حال وجه دوم گفتمان انقلاب، یعنی صدور و ترویج گفتمان و حمایت معنوی از نهضت‌ها و جنبش‌های اسلامی مدنظر است. در این خصوص امام می‌فرماید: «ما نهضت کردیم برای انقلاب، برای جمهوری اسلامی. نهضت برای انقلاب نمی‌تواند در یک کشور محصور باشد و حتی در کشورهای اسلامی محصور باشد. نهضت برای اسلام، همان دنباله نهضت انبیاست. دعوت نهضت انبیا برای همه عالم است و معنی صدور گفتمان این است که همه ملت‌ها بیدار شوند و از این‌که تحت سلطه هستند و مخازن آن‌ها خالی می‌شود، نجات یابند» (خمینی، ۱۳۷۲، ص. ۱۳۷). در گفتمان مقاومت انقلاب، دال مرکزی، "مقاومت" و دال شناور "اسلام سیاسی"، "استکبارستیزی" و "غرب‌ستیزی" است که حول محور دال مرکزی شکل می‌گیرند و گفتمان مقاومت، بر پایه آن‌ها خود را تعریف می‌کند.

اسلام سیاسی: با پیروزی انقلاب اسلامی و تشکیل نظام سیاسی جمهوری اسلامی، یک نوع اسلام انقلابی عرضه شد که توانست تمام معادلات بین‌المللی مبتنی بر نظریات لیبرالیستی و مارکسیستی را دگرگون سازد. این اسلام به مسلمانان این توانایی را بخشید که در پرتو آن، آزادی خویش را به دست بیاورند و در مقابل استبداد، استعمار، سرمایه‌داری، نژادپرستی و... بایستند. در واقع خوانشی سیاسی از اسلام ارائه گردید. در این خصوص امام خمینی(ره) می‌فرماید: «اسلام تمامش سیاست است و سیاست مدن از اسلام سرچشمه گرفته است (خمینی، ۱۳۷۰، ص. ۶۵). از این منظر، اسلام ایدئولوژی تلقی می‌شود که جامع و کامل بوده و تمام ابعاد زندگی انسان را در

حوزه‌های مختلف دربرمی‌گیرد. در این خصوص امام خمینی می‌فرماید: «مکتب اسلام بر خلاف مکاتب غیرتوحیدی به تمام شئون فردی، اجتماعی، مادی، معنوی، اقتصادی، سیاسی، نظامی و... نظارت و دخالت دارد (خمینی، ۱۳۷۰، ص. ۱۶۵). در نتیجه جدایی دین از سیاست موضوعیت ندارد؛ زیرا جدایی دین از سیاست نوعی بدعت است و برآمده از آموزه‌های قرآنی، سیره پیامبر اکرم (ص) و امامان معصوم (ع) نیست (فوزی، ۱۳۸۸، ص. ۹۸-۱۰۶).

در واقع اسلام سیاسی^۱ حول محور "جامعه اسلامی" نظم یافته است و به تفکیک‌ناپذیری دین و سیاست تأکید کرده و این ادعا را دارد که اسلام به سبب اینکه بر وحی و آموزه‌های الهی - آسمانی متکی است و نظریه جامع و کامل در مورد انسان، سیاست، قدرت و... دارد، از دیگر نظریه‌های متکی بر "خرد انسانی" برتر و والاتر است. در این خصوص امام خمینی می‌فرماید: «اسلام جامعیت دارد و نه دعوتش فقط معنویات است و نه فقط مادیات است و هر دو را در بر می‌گیرد (خمینی، ۱۳۷۰، ص. ۱۳۹)؛ بنابراین اسلام سیاسی، قرائتی از اسلام است که امام خمینی (ره)، آن را، اسلام ناب محمدی نامیده است (دهقانی فیروزآبادی و رادفر، ۱۳۸۸، ص. ۶۱-۶۲)؛ لذا اسلام - سیاسی بر این باور است که راه‌حل بحران‌های جامعه معاصر، بازگشت به اسلام و تشکیل حکومت اسلامی است. از این رو اسلام سیاسی، اسلام را در کانون هویت و عمل سیاسی قرار می‌دهد و اسلام‌گرایان می‌پندارند چنین جامعه‌ای، سعادت دنیا و آخرت انسان را تأمین می‌کند؛ اما باید توجه داشت که این اندیشه، شاخه‌های متفاوت زیادی دارد؛ برای نمونه اسلام سیاسی در ایران، جهان عرب، ترکیه، افغانستان، آفریقا و ... متفاوت است و هر یک ویژگی‌های خاص خود را دارد؛ اما اسلام سیاسی در گفتمان انقلاب اسلامی، ایجاد جامعه اسلامی است؛ یعنی علاوه بر اینکه اسلام در رأس و محور هر چیز قرار دارد؛ اما به دنبال نفی مطلق تمدن غرب نیست و ضمن بهره‌گیری از برخی دستاوردهای مثبت غرب، در تلاش است که از آسیب‌های آن دور بماند. در حقیقت گفتمان انقلاب اسلامی، جنبه‌های سکولار تمدن غربی را نقد و نفی کرده و معضل جامعه امروز را دوری از دین - معنویت و راه‌هایی از آن را، بازگشت و توسل به ارزش‌های اسلامی می‌داند.

استکبارستیزی: مهم‌ترین پیام در قرآن کریم، تقابل میان مستضعفین و مستکبرین بوده است. قرآن کریم در آیات متعدد (توبه - ۷، فصلت - ۶، فتح - ۲۹، مائده - ۵۴، فرقان - ۵۲ و...) به جهاد در راه

حمایت از مستضعفان تأکید کرده است. در این خصوص قرآن کریم می‌فرماید: «و ما لكم لا تقاتلون في سبيل الله و المستضعفين من الرجال و النساء و الولدان الذين يقولون ربنا اخرجنا من هذه القرية الظالم اهلها و اجعل لنا من لذنك وليا و اجعل لنا من لذنك نصيرا»: چرا در راه خدا و در راه مردان و زنان و کودکانی که (به دست ستمگران) تضعیف شده‌اند، پیکار نمی‌کنید؟ همان مظلومانی که می‌گویند: خدایا! ما را از این شهر (مکه) که اهلش ستمگرند، بیرون ببر و برای ما از سوی خود یار و یابری قرار ده (سورنسا/۷۵). ابتدا در این آیه، افراد به جهاد در راه خدا دعوت شده و بلافاصله سخن از مستضعفان و مظلومانی به میان آمده که دشمن، آنان را آنچنان تحت فشار قرار داده که راضی به ترک خانه و کاشانه خود شده‌اند و به نظر می‌رسد که این دو، به یک معنی باز می‌گردد؛ چرا که یاری مظلومان، مصداق روشن جهاد فی سبیل الله است.

بر اساس این اصل قرآنی، هسته‌های مقاومت، خود را حامی مستضعفان و دشمن مستکبران می‌دانند. همچنین در اندیشه امام خمینی (ره) توجه به مستضعفین و محرومین مشاهده می‌شود. محرومین، عمدتاً کسانی هستند که از جهت امکانات مادی و قدرت توسط حکومت‌های طاغوتی یا قطب‌های سرمایه‌داری و قدرتمند به ضعف کشیده شده‌اند؛ بنابراین حمایت از مستضعفین امری است که از صدر خلقت در تمام ادیان الهی مورد توجه اسلام بوده است. اسلام برای نجات مستضعفین آمده است و تعلیمات اسلام برای همین امر است که مستکبری بر روی زمین نباشد و نتوانند مستکبرین، مستضعفین را استثمار کنند (خمینی، ۱۳۷۲، ص. ۲۱۲)؛ لذا حمایت از مستضعفین پدیده‌ای است که انقلاب اسلامی آن را فراتر از مرزهای جغرافیایی ایران امتداد داده و آن را با تمام جنبش‌های اسلامی مرتبط ساخته و می‌سازد (سجادی، ۱۳۸۱، ص. ۳۶۵).

در واقع ایستادگی و مقاومت در برابر ظلم، در نهاد همه انسان‌ها وجود دارد است و مقاومت بخش جدایی‌ناپذیر از فقه، تاریخ و حرکت‌های انقلابی اسلام بوده است. در واقع استکبارستیزی به نوعی در غیریت‌سازی گفتمان مقاومت با گفتمان رقیب (غربی) نقشی اساسی دارد و می‌کوشد گفتمان رقیب را دچار ساختارشکنی کند و به حاشیه براند. در این خصوص امام خمینی می‌فرماید: «ما منطقمان، منطق اسلامی است و اینکه سلطه نباید از غیر بر شما باشد. نباید شما تحت سلطه غیر بروید» (خمینی، ۱۳۷۰، ص. ۱۳۹). نکته حائز اهمیت در خصوص استکبارستیزی گفتمان مقاومت این است که اوج تجلی استکبارستیزی در این گفتمان، خود را در مسأله فلسطین

نشان می‌دهد. در گفتمان مقاومت، چیزی مهم‌تر و ضروری‌تر از مسأله فلسطین وجود ندارد؛ زیرا فلسطین رمز وحدت، عامل اتحاد و مبارزه با دشمن و ملاک شناسایی دوست از دشمن است.

بنابراین با تأسی از موارد ذکر شده می‌توان اذعان کرد که یکی از دال‌های گفتمان مقاومت انقلاب اسلامی، استکبارستیزی است. از یک‌سو، نظام سیاسی ایران، با هویت استکبارستیز، تولید و باز تولید می‌شود؛ به صورتی که استکبارستیزی نظام جمهوری اسلامی، تأمین‌کننده امنیت هستی‌شناختی این کشور است و بی‌تردید برای حفظ هویت جمهوری اسلامی ضروریست؛ لذا هرگونه وقفه و تعلل در مقابله با قدرت‌های استکباری منجر به تهدید امنیت هویتی و شناختی جمهوری اسلامی خواهد شد. پس رویکرد تهاجمی انقلاب اسلامی یعنی سلطه‌ستیزی، جزء جدانشدنی هویت انقلابی اسلامی است. از سوی دیگر آرمان گفتمان مقاومت، پیروزی نهایی مستضعفان بر مستکبران است. در حقیقت منتظر ظهور یک منجی بودن، می‌تواند دردها و بی‌عدالتی‌ها در جهان را تسکین ببخشد؛ لذا همین اصل، سوق‌دهنده اندیشه سیاسی انقلاب اسلامی به سوی ایستادگی در برابر ظلم و ظالم است که تأثیر آن در چارچوب فرهنگ جهادی در زندگی مسلمان ظهور و بروز می‌یابد. در خصوص این موضوع امام خمینی می‌فرماید: «جمهوری اسلامی با تمام وجود برای احیای هویت اسلامی مسلمان‌ها در جهان سرمایه‌گذاری کرده و دلیلی هم ندارد که مسلمانان جهان را دعوت نکند و در مقابل جاه‌طلبی و فزونی‌خواهی صاحبان قدرت و فریب نایستد. ما باید به مشکلات مسلمانان و حمایت از مبارزان و محرومان با تمام وجود تلاش کنیم. باید بسیجیان جهان اسلام در فکر حکومت بزرگ اسلامی باشند و این شدنی است؛ زیرا بسیج تنها منحصر به ایران نیست. باید هسته مقاومت را در تمامی جهان به وجود آورد و در مقابل شرق و غرب ایستاد» (خمینی، ۱۳۷۸، ص. ۳۶۴). همچنین رهبر کشور ایران، آیت‌الله خامنه‌ای در خصوص استکبارستیزی می‌فرماید: «هدف استکبار محو هویت ملی و دینی در جهان اسلام است. مقابله با این هدف با اتحاد و همبستگی بیشتر، با تمسک به اسلام، ترویج اسلام و ایستادن در مقابل زیادخواهی مستکبران ممکن است» (خامنه‌ای، ۱۳۸۷/۵/۲۷). همچنین ایشان در جای دیگر می‌فرماید: «راه برون رفت از سلطه، مقاومت است. در واقع ماهیت اسلام به عنوان دین توحیدی، سلطه‌گری و سلطه‌پذیری را نمی‌تابد؛ زیرا اسلام دین توحید است و توحید یعنی رهایی انسان از عبودیت، اطاعت و تسلیم در برابر هر چیز و هر کس به جز خدا و علت موفقیت نظام اسلامی در برابر سلطه‌گران همین اصل توحید است که اگر اسلام نبود، ایمان به خدا نبود،

نظام جمهوری اسلامی هم مثل دیگران زیر چتر نظام سلطه و قدرت استکباری آمریکا می رفت؛ چنانکه دیگران رفتند و این اصل همان هویت اصیل اسلامی است که ملل مسلمان باید به آن بازگردند» (خامنه ای، ۱۳۹۰/۶/۶).

غرب ستیزی: یکی دیگر از دال‌های گفتمان مقاومت، غرب ستیزی و مرزبندی با تمدن غربیست. انقلاب اسلامی در برهه‌ای از زمان به وقوع پیوست که غرب ادعای مرگ مذهب و ایدئولوژی را ارائه می‌کرد. حال آنکه انقلاب اسلامی این فرضیه را که اومانيسم می‌تواند در عرصه حیات اجتماعی معیار همه فعالیت‌های انسان و پاسخگوی همه مسائل وی باشد، منسوخ کرد. همچنین به دلیل اینکه ماهیت و هدف انقلاب، اسلام بوده و اسلام را در رأس و محور هر چیزی قرار داده؛ لذا پایه‌های نظری و عملی سکولاریسم غربی را متزلزل کرد» (مطهری، ۱۳۷۳، ص. ۱۴۵)؛ بنابراین برای نخستین بار، یک نظام سیاسی برخاسته از اسلام‌گرایی به شیوه‌های انقلابی جایگزین رژیم سکولار غرب‌گرا گردید (محمدی، ۱۳۸۴، ص. ۳۲)؛ بنابراین غرب ستیزی در گفتمان مقاومت انقلاب، معضل جامعه امروز را دوری از دین و معنویت می‌داند؛ بنابراین به گفتمان سلطه (گفتمان غربی) نقد کرده و این گفتمان را ترویج‌کننده اندیشه‌های سکولار و تفکیک حوزه عمومی از خصوصی می‌داند؛ زیرا این گفتمان دین را به عرصه خصوصی محدود کرده و از گسترش ارزش‌های دینی به عرصه عمومی جلوگیری می‌کند. در صورتی که گفتمان مقاومت در برابر چنین نگرشی درصدد بازگشت دین به عرصه عمومی و آفرینش هویت اسلامی در عرصه سیاسی است. به تعبیر دیگر، گفتمان مقاومت در غیرت سازی با گفتمان سلطه (گفتمان غربی)، از یک سو سلطه، استبداد و استعمار را نقد کرده و از سوی دیگر آزرده و غمگین از سکولاریسم غربی و روی برگردانی از مادی‌گری و بی‌معنایی مدرنیته غربی، به معنویت و دینداری سنتی چشم می‌دوزد و می‌کوشد تا با تلفیق دین، سیاست، اخلاق و توسعه، راهی به سوی جهان نوین و سرشار از معنویت بگشاید؛ بنابراین اسلام به دالی بدل می‌شود که گفتمان مقاومت از خلال آن خود را در برابر غرب مفصل‌بندی می‌کند و شی‌وارگی تمدن غربی را به چالش می‌کشد و معنویت را در برابر چشم پیروانش قرار می‌دهد؛ بنابراین گفتمان مقاومت نوعی مرزبندی با تمدن غربی دارد. در واقع مدرنیته غربی، بهشت زمینی را به آدمیان وعده می‌دهد که به گفته ماکس وبر در عمل انسان را به قفس آهنین هدایت می‌کند؛ اما اسلام به پیروان خویش وعده دنیایی می‌دهد که در آن انسانیت، اخلاق، دین در کنار سیاست قرار دارد. در این خصوص امام خمینی (ره) می

فرماید: «اسلام و حکومت اسلامی پدیده‌ای الهی است که با به کار بستن آن، سعادت بشر در دنیا و آخرت به بالاترین حد تأمین می‌شود. اسلام مکتبی است که بر خلاف مکاتب غربی در تمام ابعاد زندگی انسان دخالت و نظارت دارد و از هیچ نکته حتی کوچک در تربیت انسان فروگذاری نکرده است» (خمینی، ۱۳۷۲، ص. ۱۳۱).

یافته‌های پژوهش

تأثیر گفتمان مقاومت انقلاب اسلامی بر جنبش‌های اسلامی نیجریه

قبل از پیروزی انقلاب اسلامی، اطلاعات دقیقی از پیشینه تشیع در نیجریه نیست. با وجود این اطلاعات حداقلی، می‌توان حضور تشیع را پیش از انقلاب اسلامی نیز بررسی کرد؛ چرا که قبل از انقلاب اسلامی، اتباع لبنانی که به منظور فعالیت اقتصادی وارد این کشور شدند، مذهب تشیع را با خود به همراه آوردند (Anapajo, 2017, p. 3). از اواسط قرن نوزدهم، مهاجرت مهاجران لبنانی به غرب آفریقا افزایش یافت و اولین لبنانی‌ها بین سال‌های ۱۸۷۶-۱۸۸۰ وارد سنگال شدند و پژوهشگران بر این باورند که لبنانی‌ها در سال ۱۸۹۰م، قدم به نیجریه گذاشتند و در جنوب این کشور ساکن شدند؛ البته تمامی این مهاجران پیرو مذهب واحد نبودند و مسلمانان پیرو مذاهب تشیع، تسنن، فرقه صوفی احمدیه و ... بودند (Toyin, 1998, p. 526). در سال ۲۰۰۸ اداره مهاجرت نیجریه، تعداد لبنانی‌ها ساکن را سی هزار نفر اعلام کرد، البته مسلمانان لبنانی، تلاشی در جهت نشر معارف اسلامی نداشتند و بیشتر به تجارت و فعالیت‌های اقتصادی می‌پرداختند؛ اما علاوه بر مهاجرت لبنانی‌ها، رواج گرایش‌های صوفیانه، تشکیل خلافت عثمان دان فودیو^۱ و جامعه چندفرهنگی نیجریه، بستر نفوذ شیعه در میان مسلمانان نیجریه را فراهم گردانید؛ اما در کنار این عوامل، پیروزی انقلاب اسلامی، تأثیر بسیاری بر گسترش تشیع به ویژه جنبش اسلامی در نیجریه داشت.

اسلام سیاسی: اسلام سیاسی در گفتمان مقاومت انقلاب اسلامی یکی از دال‌های است که می‌توان از آن برای توصیف و تبیین جنبش‌های اسلامی نیجریه که دغدغه ایجاد نظام و جامعه اسلامی داشتند و مبانی و اصول بنیادین خود را در چهارچوب معارف و شریعت اسلامی صورت‌بندی کردند، بهره گرفت.

1. Usman dan Fodio

در واقع طنین آرمان‌های انقلاب اسلامی بلافاصله پس از پیروزی انقلاب اسلامی، مرزهای جغرافیایی را درنوردید و با عبور از منطقه غرب آفریقا در بین مسلمان آفریقایی از جمله نیجریه شنیده شد؛ چنانچه که جوزپ زن بیان کرده که در خارج از خاورمیانه، هیچ کجا بیشتر از شمال نیجریه، از ایدئولوژی انقلاب اسلامی متأثر نبوده است (Jacob, 2013, p. 14) به صورت دقیقتر، طنین انقلاب اسلامی توسط اعضای "انجمن دانشجویان مسلمان" شنیده شد. در سال ۱۹۵۴م، مسیحیان درصدد این بودند که دانشجویان مسلمان را از دانشگاه‌ها و مدارس که تحت نظارت خودشان بود اخراج کنند (Tajudeen, 1984, p. 4) و این امر سبب شد که دانشجویان مسلمان برای جلوگیری از اخراج دانشگاه، مراسم مذهبی غیرعلنی برگزار کند (Kane, 2003, p. 73) و در ۱۷ آوریل همین سال، ۴۰ دانشجوی مسلمان از ۷ مدرسه متوسطه مختلف، به نمایندگی از سایر همکلاسی‌هایشان، انجمن دانشجویان مسلمان را بنیانگذاری کردند (Kenny, 1996: 344). در اواسط سال ۱۹۷۰م، اختلافات در بینش مذهبی، فساد و مشکلات اقتصادی و سیاسی ناشی از دولت سکولار، این ایده را در ذهن اعضای این انجمن ایجاد کرد که تنها راه حل مشکلات نیجریه، بازگشت به اسلام حقیقی و اجرای قوانین اسلامی است؛ بنابراین اعضای انجمن را به سوی "اسلام سیاسی" سوق داد (Mustapha, 2014, p. 71). در سال ۱۹۹۰م در انجمن انشقاق ایجاد شد و سبب گردید که اعضای این انجمن به دو گروه تقسیم شوند (Alao, 2013, p. 133). عده‌ای تحت تأثیر تبلیغات جریان وهابی- سعودی گروه "دعوت" را بنیانگذاری کردند و بیشتر به کارهای تبلیغی می‌پرداختند. عده‌ای دیگر با الهام از گفتمان ظلم ستیز و مقاومت انقلاب اسلامی گروه "امت" را برای اجرای قانون شریعت و ایجاد حکومت اسلامی در نیجریه تشکیل دادند (Kane, 2003, pp. 94-95). ایدئولوژی اصلی گروه "امت" این بود که مسلمانان نمی‌تواند نظام سکولار را بپذیرند؛ بنابراین به تلفیق دین و سیاست تأکید می‌کردند. ابراهیم زکزاکی^۱ از سران گروه امت بود. وی در دانشگاه "احمد بلو" به انجمن دانشجویان مسلمان پیوست. وی به عنوان معاون بین‌المللی انجمن به کشورهای مختلف سفر و با رهبران مسلمان دیگر کشورها دیدار کرد (مرادی، ۱۳۹۱، ص. ۱۲۹). در همین سفرها، با امام خمینی(ره) آشنا و در سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۸، به دیدار امام آمد و پس از ملاقات با امام به تشیع پیوست (بهرودی و دیگران، ۱۳۹۵، ۱۶۸-۱۶۷).

در واقع تأثیر گفتمان مقاومت انقلاب اسلامی به ویژه اندیشه امام خمینی (ره) در شکل‌گیری جنبش اسلامی، به اندازه‌ای گسترده بود که پیروان این جنبش را در نیجریه با عنوان "خمینیون" می‌شناسند (منصور پارسا، ۱۳۹۴: ۸۶). در واقع احیاءگری اسلامی در ایران تأثیر مستقیم بر جنبش اسلامی در این کشور گذاشت؛ تا جایی که یعقوب یحیی نماینده زکزاکی در کاتسینا درباره تأثیر انقلاب اسلامی می‌گوید: «انقلاب اسلامی اعتماد مسلمانان را به دینشان بازگرداند و مسلمانان را از هر گروه و فرقه‌ای با هم متحد کرد (منصوری پارسا، ۱۳۹۴، ص. ۹۹-۱۰۰). زکزاکی با اتخاذ راهبرد تقیه تحت عنوان "اخوان المسلمین" در دانشگاه‌ها و مراکز عالی، فعالیت مذهبی و سیاسی خود را آغاز کرد و در این مسیر توانست با شعارهایی نظیر تشکیل نظام اسلامی، مقابله با رژیم صهیونیستی و سیاست‌های جنگ‌طلبانه‌ی آن، آزادسازی قدس، سرکوب دشمنان اسلام، رفع ظلم از ملت‌های مستضعف، جوانان زیادی را از شهرهای زاریا، کانو و سوکوتو جذب کند (عمر موسی، ۱۴۳۰ق، ص. ۵۰-۵۱). وی در دانشگاه‌های مختلف نیجریه از طریق سخنرانی و پخش فیلم درباره ایران و انقلاب اسلامی، دانشجویان را به عضویت در جنبش اسلامی دعوت می‌کرد و شعار این جنبش، فقط اسلام و پشت کردن به قانون اساسی بود و هدف این جنبش بازگرداندن امت اسلامی به آموزه‌های اسلام و سنت پیامبر اکرم (ص) بود (مرادی، ۱۳۹۱، ص. ۱۳۰).

وی در سال ۱۹۹۴ اعتقاد خویش را به مذهب شیعی علنی کرد و در مورد امام خمینی (ره) اشاره می‌کند: «او رهبر همه زمان‌هاست. جهان می‌تواند یک خمینی (ره) داشته باشد. امام هدیه خدا به جهان بود و جهان به تعالیم و اندیشه‌های امام خمینی (ره) نیازمند است» (منصوری پارسا، ۱۳۹۴، ص. ۹۶-۹۷). سپس به دلیل علاقه‌مندی به انقلاب اسلامی و امام خمینی (ره) نام "اخوان المسلمین" را به "جنبش اسلامی" تغییر داد (Bunza, 2005, p. 23). این جنبش به رهبری زکزاکی، خواهان تغییر در ساختارهای سیاسی این کشور و برقراری حکومت اسلامی بود (گیدنز، ۱۳۸۹، ص. ۶۸۰)؛ لذا آشکارا به ترویج ایده تشکیل حکومت اسلامی شبیه آنچه در ایران اتفاق افتاد، پرداخته و هدف جنبش را تشکیل یک ساختار و دولت اسلامی و نه کمتر و نه بیشتر می‌داند (onapajo, 2017: 4). یعقوب یحیی بر این باور است که ما دولت فدرال، حکومت‌های ایالتی و دیگر اشکال قدرت را به رسمیت نمی‌شناسیم ما علیه آن‌ها انقلاب کردیم و تا روزی که به سوی کتاب خدا باز نگردند بین ما و آنان خصومت وجود خواهد داشت (Igwarra, 1995, p. 237)

بنابراین اجرای اسلام از جمله موضوعاتی است که جنبش اسلامی نسبت به آن تأکید می‌کند. مسلمانان نیجریه خواستار آن هستند که قانون و ساختار سیاسی حاکم بر کشورشان دربرگیرنده شریعت و احکام اسلامی باشد. در واقع موضوعاتی نظیر دولت سکولار، ساختار قانونی تبعیض-آمیز، گرایش‌های ضد اسلامی و افزایش دامنه جرایم و مفاسد اخلاقی از جمله دلایل شریعت‌خواهی مسلمانان نیجریه است. از میان ایالت‌های ۱۹ گانه مسلمان‌نشین شمال نیجریه، در برخی از این ایالت‌ها، قوانین شریعت اسلامی را اجرا می‌شود؛ با این حال دولت ضمن تأکید بر لاییک باقی ماندن قانون اساسی، وجود دادگاه‌های شریعت را همانطور که در قانون اساسی سال ۱۹۷۸م، در حد احوال شخصیه پیش‌بینی شده بود، پذیرفت (رسولی ن.، ۱۳۸۵، ص. ۱۱۱). زکراکی و طرفداران این جنبش با این قانون مخالفت کردند؛ زیرا معتقد بودند که اجرای قانون شریعت تنها در کشورهای ممکن است که حکومت کاملاً اسلامی دارد. به باور این جنبش، اجرای شریعت در کشوری که قانون اساسی سکولار دارد، به ابزار محدودیت و سوءاستفاده تبدیل می‌شود. همچنین وی با در نظر داشتن جمعیت چشم‌گیر مسیحیان و منافع سیاسی و واکنش آنان به مواضع سیاسی جنبش اسلامی، بر این باور است که هیچ دلیلی برای نگرانی مسیحیان وجود ندارد و در صورت استقرار حکومت مبتنی بر اسلام، مسیحیان درخواست خواهند یافت که پیشنهاد جنبش اسلامی، بسیار بهتر از وضع موجود است (Igbara, 1995, pp. 350-351).

استکبارستیزی: گفتمان مذهبی که جنبش اسلامی نیجریه را نمایندگی می‌کرد، متأثر از استکبارستیزی گفتمان مقاومت انقلاب اسلامی بود. برای توضیح و تبیین ظلم و استکبارستیزی این جنبش، می‌توان به گرامیداشت آیین عاشورای حسینی در نزد این جنبش اشاره کرد. هواداران این جنبش، هر ساله، در روز عاشورا، ضمن برگزاری عزاداری، عده‌ای دیگر در حاشیه این مراسم، برای علاقه‌مندان پیرامون واقعه کربلا و شخصیت امام حسین(ع) توضیحاتی را ارائه می‌کنند. همچنین در ایام اربعین، راهپیمایی بزرگی را برگزار و اعضای این جنبش، پس از ملاقات با رهبر خویش در یک مکان جمع شده و با تعداد بسیاری از دوستان امام حسین(ع) این سفر زیارتی را برگزار می‌کنند (نصیری، ۱۳۸۹، ص. ۱۸۲). در واقع همانطور که واقعه کربلا و قیام امام حسین(ع) برای اقامه حق، امر به معروف و نهی از منکر و مبارزه در برابر ظلم بوده؛ لذا برگزاری این مراسم نیز از سوی هواداران این جنبش به معنای پذیرش این اصل مهم است که باید در برابر ظلم، استبداد و استعمار ایستاد.

افزون بر برگزاری مراسم اربعین، این جنبش از سال ۱۹۸۴ م به بعد، با تأسی از عملکرد نظام جمهوری اسلامی، در آخرین جمعه ماه مبارک رمضان، در روز قدس نیز راهپیمایی برگزار می‌کند. در واقع یکی از عواملی که بر تشدید برگزاری این مراسم افزوده است، ارتباط بین کشورهای آفریقایی و اسرائیل است. اسرائیل پیمانهای متعدد اقتصادی، نظامی و... با کشورهای آفریقایی منعقد کرده و نیمی از صادرات اسلحه اسرائیل به آفریقا از جمله نیجریه است. همچنین اسرائیل در حوزه اقتصاد، در خصوص نفت، گاز و سایر منابع طبیعی در کشور نیجریه، سرمایه‌گذاری‌های بسیاری انجام داده است؛ لذا استقرار دولت سکولار نیجریه که نسبت به اسرائیل حساسیتی نداشته، موجب انزجار و نارضایتی جنبش اسلامی گردید؛ زیرا در گفتمان مقاومت انقلاب اسلامی، به حمایت از فلسطین و مبارزه با اسرائیل تأکید شده است. در واقع مهمترین اصل گفتمان سلطه، تأمین امنیت اسرائیل در منطقه است، در صورتی که یکی از مهمترین مطالبات گفتمان مقاومت، آزادسازی قدس است؛ بنابراین، این اصل اساسی توانست بر روی شکل‌گیری جنبش‌های مقاومت انقلابی و مردمی در برابر اشغالگری اسرائیل در نیجریه تأثیر بگذارد (قلندری و محسنی، ۱۴۰۲، ص. ۷۴-۷۳).

درحقیقت، پس از پیروزی انقلاب اسلامی، مردم نیجریه از ظلم‌های صورت گرفته در فلسطین، مطلع گردیدند و به اشغال سرزمین فلسطین واکنش نشان داده و انزجار خود را اعلام کردند. به همین دلیل سازمان امنیتی و نظامی نیجریه با هواداران این جنبش با خشونت رفتار کرده و در چندین مرتبه آن‌ها را مورد تهاجم قرار داده‌است؛ برای نمونه می‌توان به راهپیمایی این جنبش در روز قدس سال ۲۰۱۴ اشاره کرد که ۳۷ نفر از اعضای جنبش که سه نفر از فرزندان زکراکی بودند، به قتل رسیدند. از دیگر اقدامات نظامی خشونت‌آمیز علیه این جنبش، کشتار شیعیان در سال ۲۰۱۵ بود که زکراکی، همسرش، سه فرزندش و صدها نفر از طرفدارانش زخمی و دستگیر شدند و دو فرزند دیگرش، در این درگیری کشته شدند. همچنین ارتش در سال ۲۰۱۸ مجدد به تجمع مسالمت‌آمیز شیعیان که برای آزادی زکراکی حضور یافته بودند ۴۵ نفر را کشتند و مجدد در سال ۲۰۱۹ به منظور آزادی زکراکی صدها نفر از طرفدارانش تظاهرات کردند که با ورود پلیس متفرق و دو نفر کشته و ۴۰ نفر دستگیر شدند. در نهایت زکراکی که از سال ۲۰۱۵ در حصر خانگی به همراه همسرش بود در سال ۲۰۲۱ آزاد شد.

با تأسی از موارد ذکر شده می‌توان اذعان کرد که استکبارستیزی در جنبش اسلامی با دو مفهوم "جهاد - شهادت" و "تولی - تبری" تعریف می‌گردد. اعضای جنبش در خصوص جهاد و شهادت بر این باور بودند که شهادت برای اسلامی‌سازی دولت و جامعه ضروری است؛ لذا پیروان این جنبش، با ایستادگی بر سر اصول و ارزش‌های اسلامی خویش، بارها دستگیر، زندانی و شکنجه و حتی به شهادت رسیدند؛ اما این اقدامات سرکوب‌گرانه مانعی بر گسترش فعالیت جنبش اسلامی نگردید؛ تا جایی که زکزاک‌ی در خصوص جهاد بیان می‌کند: جهاد یعنی مبارزه به هر شکلی؛ مبارزه برای عدالت. ممکن است این مبارزه حتی به صورت آموزش یا نوشتن مطلبی مفید باشد. دومین مؤلفه استکبارستیزی در جنبش اسلامی، مربوط به نقش اعضای جنبش است که باید به قاعده تولی و تبری متعهد باشند؛ یعنی با هر آنچه که خدا دوست ندارد و آن را محکوم می‌کند، مخالفت کنند. هرچند که ذکر این نکته حائز اهمیت است که جنبش اسلامی در مورد ساختار سیاسی و حکومت نیجریه منتقد است و هرگونه مشارکت در آن کشور را بی‌فایده می‌داند. با این حال، هیچگاه از قدرت نظامی استفاده نکرده و دست به سلاح نبرده است و مدل مبارزاتی این جنبش نافرمانی مدنی بوده است؛ لذا سرکوب خشونت‌بار نسبت به این جنبش، به اتهام براندازی حکومت از طریق نافرمانی مدنی بوده است.

غرب‌ستیزی: گفتمان مذهبی که جنبش اسلامی نیجریه را نمایندگی می‌کرد، متأثر از غرب‌ستیزی گفتمان مقاومت انقلاب اسلامی بود. این جنبش به دنبال دفاع از استقلال و هویت فکری مسلمانان در برابر هجوم خاموش و آشکار غرب بود. همچنین در صدد اثبات توانایی دین و هویت اعتقادی شیعیان در اداره جامعه مسلمین نیجریه بود؛ اما آن‌چیزی که این جنبش با آن روبرو بود، هجوم غربیان و اسرائیل در نیجریه در قالب استعمار مدرن بود. از جمله ویژگی‌های استعمار مدرن در نیجریه، طمع تصاحب ثروت (منابع طبیعی)، تجاوز به هویت فرهنگی مسلمانان، گسترش رذایل اخلاقی و... بود؛ لذا شکل‌گیری جنبش اسلامی و گسترش آن در جهت مخالفت با این سیاست‌ها و دفاع از هویت اسلامی بود.

در حقیقت در کنار نفوذ مؤلفه‌های فرهنگی-سیاسی گفتمان مقاومت انقلاب، نظام جمهوری اسلامی نیز با اقدامات مؤسسات وابسته به خود، تأثیر بسیاری در گسترش جنبش و ترویج غرب-ستیزی در نیجریه داشته است. این مؤسسات نظیر رایزنی فرهنگی، حوزه علمیه قم، جامعه المصطفی، مجمع جهانی اهل بیت (ع) و مجمع تقریب بین‌المذاهب است. این مؤسسات با برنامه-

های مختلف به نشر معارف اسلامی و استکبارستیزی و غرب‌ستیزی پرداخته و یکی از مهمترین فعالیت‌های این مؤسسات، دایر کردن مدارس شیعی در شهرهای مختلف نیجریه است. برای نمونه "مؤسسه اهل البیت" نخستین مؤسسه‌ای است که در سال ۱۹۹۱م، زیر نظر حوزه علمیه قم تأسیس شد که به کسانی که تازه به مذهب تشیع پیوسته بودند، آموزش ابتدایی می‌داد و از سال ۲۰۰۲م، مدرسه علمیه اهل البیت با نام "مرکز آموزشی و فرهنگی ثقلین" بازگشایی شد که معارف اسلامی را از سطح ابتدایی تا کارشناسی ارشد ارائه می‌داد. همچنین جمهوری اسلامی بر پایه گفتمان مقاومت خویش، کلاس‌های آموزشی در زمینه‌های فرهنگی، سیاسی و... در خصوص استکبارستیزی و غرب‌ستیزی برای مسلمانان به ویژه شیعیان نیجریه برپا کرده است (مرادی، ۱۳۹۱، ص. ۱۹۱-۱۹۲).

نتیجه‌گیری

هدف پژوهش حاضر، بررسی تأثیر گفتمان مقاومت انقلاب اسلامی ایران بر جنبش اسلامی نیجریه بوده است. برای دستیابی به این هدف از نظریه تحلیل گفتمان لاکلا و موفه و روش تحلیلی-تبیینی بهره‌برداری گردید. یافته‌ها نشان داد که گفتمان مقاومت انقلاب اسلامی با ایجاد مفصل‌بندی مبتنی بر دال مرکزی مقاومت و با تأکید بر آموزه‌های اسلامی، گفتمان نظام سلطه را به چالش کشیده است و این گفتمان، مفهوم ایستادگی و رهایی‌بخشی در مقابل نظم تحمیل شده از سوی گفتمان سلطه را برجسته کرده و با جذب بازیگران رسمی و غیررسمی به تولید و بازتولید خویش پرداخته است. به تعبیر دیگر، گفتمان مقاومت نقش به سزایی در صدور ارزش‌های انقلاب به خارج از مرزهای ایران داشته؛ زیرا این گفتمان با زمینه‌ایدئولوژیک مانوس خویش که الگوی عینی و عملیاتی اندیشه‌های شیعی تلقی می‌شده، روزنه‌امیدی برای مسلمانان به ویژه شیعیان بوده؛ چنانکه ظهور و تجدید حیات نهضت‌ها و جنبش‌های مسلمانان در کشورهای مختلف از جمله نیجریه را به دنبال داشته است. در واقع گفتمان مقاومت، با تأکید بر اسلام سیاسی، استکبارستیزی و غرب‌ستیزی توانست بر احیای هویت شیعیان، شکل‌گیری و گسترش جنبش اسلامی نیجریه تأثیر بگذارد و اکنون جمعیت چند میلیونی شیعه در نیجریه، این کشور را به یکی از کانون‌های شیعه تبدیل کرده است

در حقیقت گفتمان مذهبی که جنبش اسلامی نیجریه را نمایندگی می‌کرد، تحت تأثیر اسلام سیاسی گفتمان مقاومت انقلاب اسلامی بود. این جنبش به رهبری شیخ ابراهیم یعقوب زکراکی که پس از انقلاب اسلامی و دیدار با امام خمینی(ره) به تشیع پیوست و به تشکیل نظام سیاسی اسلامی تأکید ورزیده و خواهان تلفیق دین از سیاست بود. به تعبیر دیگر شعار این جنبش، فقط اسلام و پشت کردن به قانون اساسی بود و هدف این جنبش بازگرداندن امت اسلامی به آموزه-های اسلام و سنت پیامبر اکرم(ص) بود. همچنین استکبارستیزی در این جنبش، در برگزاری مراسم روز عاشورا، راهپیمایی مراسم اربعین و راهپیمای روز قدس تجلی یافته است. استکبارستیزی در این جنبش، با دو مفهوم "جهاد - شهادت" و "تولی - تبری" تعریف شده و اعضای جنبش، شهادت را برای اسلامی‌سازی دولت و جامعه ضروری می‌دانند؛ لذا پیروان این جنبش، با ایستادگی بر سر اصول و ارزش‌های اسلامی خویش، بارها دستگیر، زندانی و شکنجه و حتی به شهادت رسیدند؛ اما این اقدامات سرکوب‌گرانه مانعی بر گسترش فعالیت جنبش اسلامی نگردید. دومین مؤلفه استکبارستیزی در جنبش اسلامی، مربوط به نقش اعضای جنبش است که باید به قاعده تولی و تبری متعهد باشند؛ یعنی با هر آنچه که خدا دوست ندارد، مخالفت کنند.

در نهایت، تجلی غرب‌ستیزی گفتمان مقاومت انقلاب در این جنبش، با دفاع از استقلال و هویت فکری مسلمانان در برابر هجوم خاموش و آشکار غرب خود را نشان داده است. جنبش اسلامی درصدد اثبات توانمندی دین و هویت اعتقادی شیعیان در اداره جامعه مسلمین نیجریه است؛ اما آن چیزی که این جنبش با آن روبرو بوده و هست، هجوم غربیان و اسرائیل در نیجریه در قالب استعمار مدرن نظیر طمع تصاحب منابع طبیعی، تجاوز به هویت فرهنگی مسلمانان، گسترش رذایل اخلاقی و... است؛ لذا شکل‌گیری جنبش اسلامی و گسترش آن در جهت مخالفت با این سیاست‌ها و دفاع از هویت اسلامی بوده است.

بنابراین با تأسی از موارد ذکر شده، می‌توان اذعان کرد که گفتمان مقاومت انقلاب، افزون بر بیداری و خودآگاهی سیاسی مسلمانان، گسترش جنبش اسلامی را سرعت بخشیده و شیعیان نیجریه را از یک اقلیت محدود به یک جمعیت فعال بدل کرده است. بر این اساس، گفتمان مقاومت، منجر به ماندگاری انقلاب اسلامی شده و رمز تداوم و نقش‌آفرینی انقلاب اسلامی بر احیای هویت مسلمان و گسترش جریان‌ها و جنبش‌های اسلامی در اقصی نقاط جهان، مقاومت است.

قردانی

نویسنده مراتب قردانی خود را از معاونت محترم پژوهشی دانشگاه تربیت مدرس اظهار می‌نماید.

منابع

- قرآن کریم
- ادیبی فیروزجانی، رضا؛ محبوب، حبیب (۱۳۹۷). شیعیان در نیجریه. قم: پژوهشگاه علوم اسلامی امام صادق(ع).
- ادیبی فیروزجانی، رضا؛ محبوب، حبیب (۱۴۰۰). تأثیر انقلاب اسلامی در گسترش تشیع در نیجریه. پژوهشنامه انقلاب اسلامی، دوره ۱۰، ش ۲، ۱۷۳-۱۸۸.
- بشیر، حسن (۱۳۸۴). تحلیل گفتمان دریچه‌ای برای کشف ناگفته‌ها. تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).
- بهرودی، علی؛ دیگران. (۱۳۹۵). شیخ زکزاکی صدای وجدان افریقا. فرهنگ اسلامی، ش ۳۲، ۱۶۵-۲۰۱.
- تاجیک، محمدرضا (۱۳۷۷). گفتمان، یادگفتمان و سیاست. تهران: مؤسسه توسعه علوم انسانی.
- حسینی زاده، سیدمحمد علی (۱۳۸۶). اسلام سیاسی در ایران. قم: دانشگاه مفید.
- خامنه‌ای، آیت الله سید علی (۱۳۸۷/۵/۲۷). بیانات در دیدار با اقبشار مختلف مردم در نیمه شعبان.
- خامنه‌ای، آیت الله سید علی (۱۳۹۰/۶/۶). بیانات در دیدار با اعضای هیئت دولت.
- خمینی، روح الله (۱۳۷۰). صحیفه نور؛ مجموعه رهنمودهای امام خمینی، ج ۱۹. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات.
- خمینی، روح الله (۱۳۷۲). صحیفه نور، ج ۲ و ج ۱۳. تهران: مرکز مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی.
- خمینی، روح الله (۱۳۷۸). صحیفه امام. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(ره).
- دهقانی فیروزآبادی، سید جلال؛ رادفر، فیروزه (۱۳۸۸). «تحول الگوی صدور انقلاب در دوران دفاع مقدس». رهیافت انقلاب اسلامی، س ۳، ش ۱۱، ۷۲.
- رسولی، مجید (۱۳۹۹). «جریان‌سازی پارادایم فرهنگی انقلاب اسلامی در نیجریه». فصلنامه زبان و ملل، س ۳، ش ۶، ۴۳.
- رسولی، نوید (۱۳۸۵). نیجریه، سرزمین زبانها و قومیتها. تهران: انتشارات بین‌المللی، الهدی.
- رسولی، نوید (۱۳۸۸). «وضعیت شیعیان در نیجریه». پژوهشنامه آفریقا، س ۱، ش ۴.
- سجادی، سیدعبدالقیوم (۱۳۸۱). «امام خمینی و جنبش‌های اسلامی معاصر». فصلنامه علوم سیاسی، س ۲، ش ۵، ۳۶۵.
- سلطانی، علی اصغر (۱۳۸۳). «تحلیل گفتمان به مثابه نظر و روش». علوم سیاسی، دوره ۷، ش ۲۸، ۷۳-۸۳.

- شکبیا، محمدرضا (۱۳۸۸). سرزمین و مردم نیجریه. تهران: الهدی.
- عرب احمدی، امیر بهرام (۱۳۹۷). نقش بنیادین شیخ ابراهیم یعقوب زاکزاک در گسترش تشیع. تهران: نگارستان اندیشه.
- عمر موسی، محمدالثانی (۱۴۳۰ق). الشیعه فی نیجیریا؛ الشاه و الوسایل. قراءات اسلامیه، العدد اربع، الشوال، .
- فوزی، یحیی (۱۳۸۸). اندیشه سیاسی امام خمینی. قم: معاونت پژوهشی دانشگاه معارف اسلامی.
- قلندری، یعقوب؛ محسنی، حسین (۱۴۰۲). «نقش گفتمان مقاومت در نظم سازی منطقه‌ای: ظرفیت‌ها و چالش‌ها». پژوهش‌های جهان اسلام، س ۱۰، ش ۴.
- کردی، حمیدرضا (۱۳۹۴). «شیعیان نیجریه (فرصت‌ها، تهدیدها و باورها)». فصلنامه فرهنگی-بصیرتی پیام، ۱۱۰-۱۲۵.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۸۹). جامعه شناسی، مترجم حسین چاوشیان. تهران: انتشارات نی.
- محمدی، منوچهر (۱۳۸۴). «بازتاب جهانی انقلاب اسلامی». فصلنامه پانزده خرداد، س ۲، ش ۳۲، ۳۲.
- مرادی، وحید (۱۳۹۱). بازتاب انقلاب اسلامی بر اسلام گرایی در نیجریه. پایان نامه کارشناسی ارشد، استاد راهنما، ناصر جمالزاده، تهران: دانشگاه امام صادق.
- مطهری، مرتضی (۱۳۷۳). پیرامون جمهوری اسلامی. تهران: انتشارات صدرا.
- منصوری پارسا، مستانه (۱۳۹۴). بررسی اوضاع فرهنگی-اجتماعی شیعیان نیجریه پس از انقلاب اسلامی. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه قم.
- نصیری، معصومه (۱۳۸۹). جمهوری فدرال نیجریه: تاریخ، فرهنگ، سیاست و اقتصاد. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- هاشمی نسب، سید سعید (۱۳۹۷). «جایگاه شیعیان در ساختار اجتماعی نیجریه». شیعه شناسی، دوره ۶، ش ۶۴، ۱۲۳-۱۵۰.
- هاشمی نسب، سید سعید (۱۳۹۹). «انقلاب اسلامی و شیعیان نیجریه: از تأسیس تا جامعه اسلامی». سیاست متعالیه، س ۱، ش ۳۱، ۳۰۵-۳۱۹.

- Alao, A. (2013). Islamic Radicalisation and Violent extremism in nigeria. Conflict security and development , 13(2), p.127-147.
- Anapajo, H. (2017). State Repression and Religious conflict. The perils of the state clampdown on the shia minority in Nigeria. Journal of muslim minority affairs ,37(1).
- Bunza, U. (2005). The Iranian Model of Political Islamic movment in Nigeria (2002-1979). In Islam politiqye au sud du Sahara: Identities, discours et enjeux. Paris: kharthala, P.227-241.
- Igwara, o. (1995). Holy Nigerian Nationalisms and apocaly Visions of the nation. Nations and nationalism, 1(3), p.327-355.

- Jacob, Z. (2013). The Islamic Movement and Iranian Intelligence Activities: Nigeria . CTC Sentined. Vol. 6, No10, pp13-18.
- Kane, O. (2003). Muslim modernity in Postcolonial Nigeria: A study of the Society for the Removal and Reinstatement of Tradition –Boston: Brill.
- Lacla, E., & Mouffe, C. (2002), Recasting Marxism in James Martin: Antonio Gramsci. Assessment ifleading Political Philosophers.
- Lacla, E., & Mouffe, C. (2013). hegemony and socialist strategy. Translated by Mohammad Rezaei. Tehran: third publication.
- Mustapha, A. (2014). Sect and social disorder: Muslim Identities and conflict in Northern Nigeria woodbridge: James Currey.
- Tajudeen, A. (1984) The Muslim students Society thirty years after. Ibadan: Islamic book center of UIms.
- Toyin, F. (1998). Violence in Nigeria: The Crisis of Religious Politics and Secular Ideologies. New York, University of Rochester Press.

The effect of the resistance discourse of Iran's Islamic revolution on the Nigerian Islamic movement

Elaheh Sadeghi

Assistant Professor Department of Political Science, Tarbiat Modares University.

Abstract

The discourse of the resistance of the Islamic Revolution, in addition to having a great impact on the political, social and cultural system of Iran, has been very influential beyond its borders and has been an inspiration for Muslim movements in different countries, including Nigeria. In the last few decades, Nigeria, as one of the important countries in Africa, has been the platform for the formation of the Islamic movement and the expansion of Shiism, and now the population of several million Shiites in Nigeria has turned this country into one of the centers of Shiism. Based on this, the present research has analyzed the impact of the discourse of Islamic revolution resistance on the Islamic movement in Nigeria by using the discourse theory of Lakla and Mofe and using explanatory-analytical method. The findings of the research showed that the discourse of resistance after the victory of the revolution, with the systematization of the Islamic discourse, from a discourse marginalized by the discourse of domination, has become an active discourse in the text of domestic and international policies, and with negation. The hegemony of the domination system and the lack of compromise with it has created a new articulation, which at the end of this articulation has defined a model of resistance against the domination system. This model of resistance, with an emphasis on political Islam, anti-arrogance and anti-Westernism, in addition to reviving the identity of Shiites in Nigeria, has also influenced the formation and expansion of the Islamic movement in this country.

Keywords: discourse of resistance, Islamic revolution of Iran, Shiites, Nigeria, Islamic movement